

بتوانند از محدودیت‌های پیشین عبور کنند و آثار خود را تولید کنند که اتفاقی روبه جلو است اما در کنار پیشرفت امکانات و سهولت دسترسی به تکنولوژی، باید از حوزه فرهنگ پاسداری کرد. نباید این رشد فناوری به توسعه فرهنگی لطمه وارد کند و این کار دولت و مسئولان فرهنگی است. باید گروه‌ها و افرادی که در سینما یا هر حوزه دیگر فرهنگی که بنا به سخت‌گیری‌ها و محدودیت‌ها از کار کنار کشیده‌اند یا ترجیح داده‌اند زمین بازی خود را جایی دیگر قرار دهند، به عرصه دعوت شوند و بار دیگر ارتباط فرهنگی در جامعه را بازتعریف کنند. یکی از کارکردهای مهم سینما همین است.

سینمای ایران، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، همواره به دو بخش تقسیم می‌شده است: یک بخش سینمای فکری و هنری، و بخش دیگر سینمای سرگرم‌کننده یا حتی مبتذل. در دوره‌های مختلف هنرمندانی چون علی حاتمی که به سعدی سینما شهرت داشت با آثار ارزشمند خود همچون «مادر» و فیلم‌سازی چون مسعود کیمیایی یا «گوزن‌ها»، سینمایی فاخر و اجتماعی خلق کردند. این سینما با تکیه بر ادبیات و فرهنگ ایرانی، به نوعی شرافت هنری در سینما بخشید. امروز اما ما دیگر فردوسی و حافظ و مولوی سینما نداریم.

پس از انقلاب هم سینماگران بزرگی همچون عباس کیارستمی، مجید مجیدی و اصغر فرهادی ظهور کردند که سینمای ایران را به سطح جهانی ارتقا دادند. آثار این سینماگران، نه تنها در داخل کشور بلکه در جشنواره‌های بین‌المللی نیز درخشید. خاطریم هست در یکی از دوره‌های جشنواره فیلم فجر جوایز بین‌المللی کیارستمی و مجیدی از نظر تعداد با یکدیگر برابر شده بود. با این حال، متأسفانه در سال‌های اخیر، سینمای ایران دچار افول شده و شاهد کاهش کیفیت در تولیدات سینمایی و به نوعی ابتذال در این عرصه هستیم. خروج برخی فیلم‌سازان بزرگ و عدم حضور آثار مهم، باعث شده شور، هیجان و از همه مهم‌تر تفکری که در گذشته در این عرصه وجود داشت، در سینما از بین برود.

سینمای ایران، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، همواره تحت تأثیر جریان‌های فکری و اجتماعی قرار داشته است. سینماگران ایرانی از همان ابتدا توانسته‌اند آثار ارزشمند جهانی خلق کنند. اما متأسفانه در برخی مواقع، برخوردی آمیز با هنرمندان صورت گرفته که باعث محدود شدن خلاقیت آنها شده است. هنرمندان و سینماگران ایران همیشه به دنبال رشد و ارتقای فرهنگ جامعه خود بوده‌اند و برای همین نیاز داریم فضای فرهنگی و هنری را به گونه‌ای پیش ببریم که آنان بتوانند خود را به درستی در عرصه‌های جهانی مطرح کنند. اگر این فضا فراهم شود، هنرمندان به‌طور طبیعی به کار خود ادامه خواهند داد.



در حال حاضر، سینمای ایران با نوعی کمیت‌زدگی روبه‌رو است. گاهی آمارها نشان می‌دهند که سینما رونق یافته اما این رونق بیشتر به خاطر افزایش آمارهای کمی ناشی از تعداد تماشاگر است. آن هم البته متمرکز بر شهرهای بزرگ و مجهز به زیرساخت‌های سینمایی است

البته ما در گذشته هم فیلم کم‌کم نداشتیم، حتی برخی فیلم‌های کم‌کم در سینمای ایران نه تنها از نظر هنری، قصه‌پردازی و نفوذ اجتماعی در سطح بالایی قرار داشتند، بلکه در برخی موارد از سطحی از ارتباط انسانی برخوردار بودند که برای مردم کشورهای دیگر و به زبان‌های مختلف دوبله می‌شدند. حالا اما باید ببینیم که سطح کلی سینمای کم‌کم ایران پایین آمده و تنها نوعی از سینمای کم‌کم که کارکردش فقط سرگرمی است، ترویج شده است. البته این نوع فیلم‌ها نباید کاملاً سرکوب شوند، بلکه باید به این نکته توجه کنیم که در سال‌های اخیر، سینمای کم‌کم آن هم از نوع کم‌مایه‌اش، همه سینمای ایران را بلعیده و اجازه بروز به هیچ‌چیز دیگری نداده است.

در حال حاضر، سینمای ایران با نوعی کمیت‌زدگی روبه‌رو است. گاهی آمارها نشان می‌دهند که سینما رونق یافته، اما این رونق بیشتر به خاطر افزایش آمارهای کمی ناشی از تعداد تماشاگر است. آن هم البته متمرکز بر شهرهای بزرگ و مجهز به زیرساخت‌های سینمایی است. نقدی که به مسئولان سینمایی به خصوص در دوره گذشته وارد است همینجاست. الان هم گفته می‌شود در ماه‌های اخیر، شمار تماشاگران فیلم‌ها افزایش یافته و حتی شنیدم که گفتند فروش فیلم‌ها در ماه‌های اخیر با فروش کل سال گذشته برابری کرده است. من معتقدم این تنها بخشی از پروژه توسعه و رونق فرهنگی به‌ویژه در سینماست.

پس رونق سینما تنها به تعداد فیلم‌ها یا تماشاگران بستگی ندارد و عوامل متنوعی در آن دخیل است. به تعداد سالن‌ها و تمرکز نداشتنشان در مراکز و شهرهای بزرگ نیز ارتباط دارد. بگذارید مثالی بزنم؛ پیش از انقلاب، با جمعیت ۳۰ میلیون نفر، ۵۰۰ سالن سینما در کشور وجود داشت که ظرفیت هر سالن بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر بود، اما اکنون با وجود افزایش تعداد سالن‌ها، ظرفیت هر سالن به‌طور میانگین به حدود ۲۰۰ نفر کاهش یافته است. مسئله حتی فراتر از این است؛ ما امروز به دلیل انقطاع فرهنگی، افت کیفیت آموزش و کاهش محسوس مطالعات بینارشته‌ای؛ با معضل فیلمنامه و متن در سینما مواجهیم. این موضوع حتی در فیلم‌های به اصطلاح اجتماعی یا فیلم‌های تاریخی نیز به چشم می‌آید. همین مسئله نیز به رونق سینما لطمه زده؛ چرا که دیگر مردم قصه‌های تازه و با دربرگیری ملی و جغرافیایی نمی‌بینند و نمی‌شنوند. پس با سینما وارد گفت‌وگو نمی‌شوند و صرفاً به آن به چشم یک تفریح زودگذر نگاه می‌کنند.

در حال حاضر، تماشای فیلم محدود به سینما نیست و بسیاری از افراد از طریق پلتفرم‌ها یا در خانه به تماشای فیلم‌ها می‌پردازند. حتی ساخت فیلم به‌واسطه تکنولوژی‌های نوین، از جمله هوش مصنوعی و دوربین‌های موبایل، بسیار ساده‌تر شده است. این تکنولوژی‌ها باعث شده‌اند که فیلم‌سازان

جایی که از منظر ساخت شهری مدرن، لاله‌زار به شانزلیزه طهران معروف شد. لاله‌زار تهران با معروف‌ترین خیابان‌های جهان در آن دوره برابری می‌کرد. کسانی مثل کازاما آن را به خیابان گینزای توکیو، فرد ریچاردز به بانداستریت لندن و عین السلطنه به شانزلیزه پاریس تعبیر کرده‌اند. تأسیس سینما متوگراف لاله‌زار را در مرکز توجه جوان‌ها و «فکلی»‌های دوره جدید قرار داد. عین السلطنه در سال ۱۳۲۷ قمری می‌نویسد: «عصرها در خیابان لاله‌زار، هنگامه است. زن‌ها میان درشکه متصل از پایین خیابان بالا و از بالا پایین می‌آیند. بالاخانه‌های مطبوعه فاروس که روسی‌خان سینما متوگراف دایر کرده از عصر باز، بستنی و میوه می‌دهند. تا دو ساعت از شب رفته». کلودانه که در سال ۱۳۲۷ قمری وارد تهران شد، در این باره نوشته است: «عصرها باید به خیابان لاله‌زار رفت که در حقیقت برای تهران به منزله خیابان صلح است برای پاریس. مغازه‌های مسدود روز همه در این خیابان قرار دارند. خیاط شیک‌دوز، شریمن مکانیسین همه کاره‌ای که با ابزاری واحد هم ماشین‌ها را تعمیر می‌کند و هم ساعت‌ها را، عکاسی که عکس به داراویختگان روز قبل را فوراً به نمایش می‌گذارد، و همینطور خانه فرانسه و تجارتخانه هلند و اداره پست همه در همین خیابان می‌توان یافت. تنها تراموای شهر نیز از این خیابان عبور می‌کند. یک دسته رفتگر خیابان لاله‌زار را چارو می‌کشند و دسته دیگر آبپاشی می‌کنند». بحث لاله‌زار چند لایه است و هر دوره‌ای مختصات و ویژگی‌های خود را داشته است. هر چند لاله‌زار نخستین کمتر مورد بحث و بررسی بوده ولی می‌توان گفت در لایه‌های تاریخی لاله‌زار بحث‌های مربوط به سنت و مدرن قابل پیگیری است و در همه این‌ها، لاله‌زار از هر جهت سهمی دارد؛ از جمله نه تنها در تاریخ نمایش و سینما حتی دوبله، صحنه‌پردازی، گریم، بلکه در معماری، شهرسازی و صنوف گوناگون از قبیل خیاط‌خانه، داروخانه، مطب، آزمایشگاه، شیرینی‌پزی، خشک‌شویی، کارناوال، شعبده، عکاس‌خانه، عینک‌فروشی، کلاه‌فروشی، ساعت‌سازی، دوربین‌فروشی، دفاتر مطبوعاتی و کتابفروشی.

سینمای ایران با نوعی کمیت‌زدگی روبه‌رو است

اما جای امروز سینما کجاست؟ در گزارش‌های سینمایی گاهی عنوان می‌شود که سالن‌های سینما پر شده‌اند و این به معنای رونق سینماست، اما این تحلیل دقیقی نیست. در چند سال اخیر، گاهی یک فیلم کم‌کم به تتهایی ۳۰۰ سالن سینما را به خود اختصاص داده است، اما در ژانرهای دیگر، به‌ویژه فیلم‌های قصه‌گوی اجتماعی و دارای اندیشه، نه در زمینه ساخت و تولید و نه در حوزه نمایش، فضا برای رشد وجود نداشته است.